



۲۰۱۷/۰۶/۰۶



حامد نوید

مس عینک قسمت اول



گرچه به اساس یافته های باستانشناسان، آثار و آبدات تاریخی افغانستان مانند مصر، بین النهرین و یونان باستان بسیار غنمند استند، اما چنانچه میدانیم نظریه نا آگاهی خاورشناسان غربی سده نهم و آغاز قرن بیستم توأم با سیاست های جهانی وقت، این فرهنگ غنمند و تمدن شگوفا در سطح جهانی، بسیار اغماض گردیده است. ازسویی دیگر ترجمه های نادرست و اغراق آمیز مترجمین کشور های همجوار بخصوص "پژوهشگران" ایرانی به سود کشورشان برمغشوش ساختن معلومات درمورد تاریخ فرهنگ افغانستان و منطقه افزوده و هنوز هم می افزاید. بدیهیست که درین اغماض عمومی مسؤولیت حکومتها و نویسندگان افغان بیشترین میباشد. زیرا این وجبیه ملی ماست تا از حقوق فرهنگی خود حراست نماییم. ملتی که ارزش دست آوردهای گذشته خود را نداند، مشکل است تا آینده سالمی را بنیاد گزارد.

ستوپه ها و آثار هنری مس عینک:

درین میان یافته های سالهای اخیر باستانشناسان افغان و باستانشناسان غربی بشمول بررسی های علمی بنیاد های تحقیقی جاپان در مورد آثار تاریخی بامیان و مس عینک پرده از بسی مسایل تاریخ تمدن های بشری می بر دارد که درین سرزمین به اوج چنان تمدن هایی رسیده و درین ارتباط معلوماتی در مورد ساحه تاریخی مس عینک پیشکش میشود. مس عینک از اصطلاح عربی العین القطر به معنی «چشمه مس» برگرفته شده که نامیست مربوط به دوره های اسلامی. اینکه این اصطلاح چگونه بمیان آمده و چه کسی این نام را بالای این جای گذاشته تا کنون کسی سندی ارائه نکرده اما نامیست با مسمی.

ساحه تاریخی مس عینک در ۴۰ کیلو متری جنوب کابل در ولایت لوگر موقعیت داشته و در حدود ۲۷۰۰ هکتار زمین را احتواء میکند. این ساحه تاریخی در امتداد شهر پر نفوس کابل از قرن اول تا هفتم میلادی منطقه آبادانی بوده و بخشی از پایتخت مرفه و مزدحم امپراتوری مقتدر کوشانی ها را تشکیل میداده است. پس از کوشانی ها یفتلی ها و کابل شاهان درین ساحه نفوذ و اقتداری داشتند.

محوطه تاریخی مس عینک از دو لحاظ دارای اهمیت فراوان میباشد، یکی بخاطر موجودیت ذخایر هنگفت مس که بزرگترین ذخیره گاه این فلز گرانبها در منطقه شمرده میشود و دیگری بخاطر داشتن آثاریکه حکایت از فرهنگ غنی افغانستان در قرن سوم و چهارم میلادی مینماید.

در مورد ساحه باستانی مس عینک هنوز سوالهای زیادی مطرح میباشد که ناگزیر باید آنرا جزء از اسرار تاریخ شمرده، زیرا معلومات دقیقی در مورد موجود نیست. بطور مثال جواب این سوال که با وصف سرسبزی مناطق دو را دور مس عینک چرا این ساحه خشک و بایر را برای اعمار معابد انتخاب کرده اند و چرا این ساختمان های پر مصرف بالای معدن مس بنا یافته، سوالیست که پاسخی قانع کننده و معقولی برای آن داده نشده است. از جانبی، از موجودیت زباله های ذوب شده مس که بقایای آن در دامنه های کوه با فروانی بنظر میخورد، دا نشمندان به این باورند که مقادیر قابل ملاحظه مس در عصر کوشانی ها از این ناحیه استخراج می گردیده است. همچنان زباله های فراوان شیشه ذوب شده در دامنه های کوه هایی که بالای آن معابد و ستوپه های بودایی اعمار یافته به چشم میخورد. ازینرو برخی از محققین و محققین به این باورند که منطقه مس عینک بر علاوه اینکه جایگاه نیایش و زندگی راهبان بوده ساحه صنعتی و تولیدی نیز بشمار میرفته است. تاریخ مس عینک قبل از دوره کوشانی ها به گذشته های دوری میرسد. از مطالعات باستانشناسی برمی آید که ساحه مس عینک از دوره آغاز فلزات یعنی دوره مفرغ (عصر برنز) Bronze Age یک ساحه مسکونی بوده و مردمانی در حدود پنج هزار سال پیش درین منطقه بود و باش داشته اند. این ساحه تاریخی در عهد کوشانیان منحیث یکی از مراکز مهم تجاری در مسیر شاهراه ابریشم مورد توجه بود.

مطالعات علمی در مورد گذشته های تاریخی مس عینک در سالهای ۱۹۶۰ آغاز یافت، در دهه هشتاد در هنگام جنگ افغانها علیه قوای متجاوز شوروی تحقیقات علمی در مورد گذشته های تاریخی مس عینک برای مدتی معطل ماند و در نیمه دهه نود هنگامیکه گروه القاعده مس عینک را به یکی از پایگاههای فعالیت های نظامی خود مبدل کرد، صدمات زیادی به این منطقه تاریخی وارد آمد. بعضی از ستوپه ها بطور ناشیانه ای ویران گردیدند

ویکتعداد آثار گرانبهای آن به یغما رفت، ولی ساحه باستانی مس عینک آنقدر وسیع است که هنوز هم آفریده های نابی از ویرانه های آن برون می آید.



نمای از دژ بندی های مس عینک بر فراز کوهپایه ها

در ماه نوامبر سال ۲۰۰۷ دولت افغانستان قرار دادی را برای استخراج ۵,۵۲ میلیون تن مس با شرکت چینیایی MCC به قیمت سه بلیون دالر بست که کمک زیادی را برای رشد اقتصادی افغانستان بعد از سه دهه جنگ مینمود، اما در ارتباط به این موضوع دو مسأله مهم یعنی حفظ محیط زیست و نگهداری آبدات و آثار تاریخی مس عینک مطرح است که باید در هنگام استخراج مس مد نظر گرفته شود .

ازنگاه حفظ شرایط همه جانبه محیط زیست عده زیادی از علمای ساینس انفجار پیمانانه های بزرگ احجار را که باعث تولید گازهای ما زاد و مرکبات زهر آگین در هنگام استخراج مس میگردند برای جریان طبیعی حیات انسان، جانوران، نباتات و آبهای روان نا سازگار میدانند. البته روش های سالمتر اما پرمصرفتری غیر از انفجار صخره های عظیم کوه وجود دارد که شامل این بحث نمیشود، لیکن موضوع حفظ آثار تاریخی مس عینک را میتوان چنین خلاصه کرد:

پس از سال ۲۰۰۷ تیمهای مشترک باستان شناسان افغان و فرانسوی سعی فراوانی در راه حفظ آثار تاریخی مس عینک نمودند که در این کار بزرگ کوشش باستان شناسان جوان افغان و فلیپ مارکیز رئیس هیأت باستان شناسان فرانسوی قابل یاد آور است. در نتیجه کاوشهای علمی بر علاوه ستوپه های متعدد موجودیت کارگاه های ذوب مس، شیشه سازی و همچنان یک ضراب خانه سکه زنی درین ساحه تاریخی تشخیص شد.

بر علاوه بقایای یک آتشکده زردشتی قبل از دوره بودایی و ساحه یک بازار تجارتي در محوطه تاریخی مس عینک شناسایی گردید.

در ماه جون ۲۰۱۲ کنفرانسی متشکل از متخصصین جیالوجی، معدن شناسی، تاریخ هنر، و انکشاف اقتصادی و محیط زیست بشمول نماینده بانک جهانی، در واشنگتن تشکیل شد تا تعهدات مقامات رسمی افغانستان و کمپنی

چینی China Metallurgical Group را در ارتباط حفظ محیط زیست و پیشرفت نگهداری آثار تاریخی مس عینک ارزیابی کند.¹



نمایی از ستوپه های مس عینک

نظر به پیشنهاد برخی از باستان شناسان انتقال پیکره های بزرگ و حتی ستوپه ها به منطقه دور و امنی از ساحه انفجارات (در حین استخراج معدن) امکان پذیر بوده و یگانه راه حفظ و نگهداشت آنهاست. تا حال یکتعداد آثار تاریخی مس عینک به موزیم ملی و یکتعداد آن به گدامهای دولتی انتقال یافته اند. گرچه این مقدمه کمی طولانی شد ولی برای دانستن موضوع، البته که ضروری مینمود و اکنون میپردازیم به شرح زیبایی های هنری آثار ارزشمند تاریخی مس عینک.

ستوپه هایی که بر فراز تپه های مس عینک به چشم میخورند شیوه معماری آندوره افغانستان را تا جایکه بقایای آن بجا مانده باز گو میکنند. تصور می رود که بر فراز این ستوپه های سنگی ساختمانهای بزرگتری موجود بوده که بگمان اغلب دردوره جنگهای کابل شاهان با سپاه امویان و یا پس از شکست رتبیل شاه ویران گردیده باشد.

¹ این سمینار در مؤسسه مطالعات عالی جهانی Paul H. Nitze School of Advanced International برای دو روز با شرکت دانشمندان بین المللی و نماینده بانک جهانی برای حفظ آثار تاریخی مس عینک و محیط زیست ساحه مربوطه در شهبواشنگتن برگزار شد که اینجانب نگارنده نیز در آن اشتراک داشتم. درین سمینار نماینده بانک جهانی آمادگی آن سازمان را برای برآوردن اهداف سمینار اظهار نمود

هنوز بقایای دیوارهای قطور معابد شکوهمند بر فراز تپه های مس عینک حکایت از شیوه معماری با صلابتی مینماید که در عصر امپراتوری کوشانی ها با پیکره های بزرگی مزین بود و هر پیکره اسطوره را بیان میداشته است.

زمین های سنگفرش و بقایای تهدابهای گل و برگ کاری شده، ستونپایه ها و ستوپه ها بازگو کننده کار فراوان برای اعمار این عبادتگاه هاست. بهمین ترتیب ظرافتکاری های بدیعی را که صنعتگران آندوره با تبارز دادن اخلاص و استعداد هنری های شان ایجاد کرده اند سبک خاص معماری حوزه فرهنگی گسترده، از کاپیسا تا لوگر را بیان میدارد. بطور مثال سبک سنگ کاری و ستوپه سازی معبد تپه اسکندر در شمال کابل با استوپه های مس عینک در جنوب شرق کابل آنقدر شباهت دارد که بیننده را به اشتباه می اندازد.

سبک رواقبندی ای که در داخل آن پیکره های نشسته و ایستاده بودا و بودا های آینده جا میگرفت در مس عینک و تپه اسکندر شباهتی زیادی بهم میرسانند. بخصوص ایجاد ستونپایه های تزئینی غیرمدور (مسطح) و چسبیده به دیوار در دو طرف رواق از خصوصیت های بارز این سبک معماری بود.

گرچه بخاطر کتیبه ای از سنگ سلیت به زبان سانسکریت مر بوط به دوره انتقالی میان امپراتوری های کوشانی و یفتلی، یعنی اواخر قرن پنجم میلادی فکر میشد که ستوپه تپه اسکندر مربوط به دوره های نزدیک تر است، اما از روی شیوه سنگ کاری و پیکره ای که در رواق آن دیده میشود میتوان قیاس نمود که این ستوپه مانند معبد شیوه کی یکی از معابد قدیمی بودایی عصر کوشانی ها بوده است.

تپه اسکندر در ۳۶ کیلومتری شمال کابل واقع در مسیر راه کابل چاریکار در عهد کابل شاهان به معبد هندویی برای نیایش شیوا مبدل گردیده بود و این معبد تا فتح کابل بدست یعقوب لیث صفار، نیایشگاه بزرگ هندوان محسوب می گردید، ولی نشانه های کیش هندو نیزم در مس عینک تا حال پیدا نشده است.



نمای از پایه یک استوپه در مس عینک



رواقبندی معابد مس عینک سبک



نمای از معبد تپه اسکندر در شمال کابل

نگاهی به آثار نقاشی و مجسمه سازی مس عینک:

در معابد مس عینک بخاطر ویران شدن دیوارها نمونه های زیادی از نقاشی های فریسکو یعنی نقاشی توسط رنگهای محلول در آب بالای گچ باقی مانده است. دوسه اثر بجا مانده، آنقدر صدمه دیده که تشخیص زیبایی های اشکال و خطوط را دشوار ساخته و به مشکل میتوان موضوع صحنه ها را شرح و بست داد، اما از مطالعه دقیق بقایای پارچه های گچ رنگ آمیزی شده بالای دیوارها میتوان تصور نمود که صورتگران این عصر بر علاوه استفاده از رنگهای درخشان مانند سرخ، نیلی، زرد و نارنجی که در ادوار قدیم معمول بود به درک زیبایی رنگ های آرام مانند، تونهای مختلف نضواری، فولادی، نارنجی کمرنگ، سبز مایل به سیاهی، زرد کاهی و کهربایی دست یافته بودند. بطور مثال درین نقاشی دیواری که در آن تصویر بودا یا شخص مقدس دیگری باهاله نوری در اطراف سرش دیده میشود، رنگهای بسیار تیز و درخشان استعمال نگردیده، بلکه رنگهای آرامی مانند سفید، نارنجی کمرنگ، نضواری سرخی دار و سبز مایل به خاکستری و سیاهی بکار رفته است. ازینرو آرامش مطبوعی در فضای آن حکمفرماست.



نمونه از نقاشی های دیواری مس عینک قرن سوم تا چارم میلادی

پایان قسمت اول